

گی هستم ولی ایرانی نیستم

یاشار علی

www.huffingtonpost.com :

Ebi blue news: ترجمه از

وقتی من به مردم میگویم که من یک ایرانی و یک گی هستم، غالباً آنها از من میپرسند که آیا والدینم هم این موضوع را میدانند و اگر آنها از این موضوع مطلع هستند، عکس العملشان در برابر من چیست؟

9 سال پیش برای والدینم علنی سازی کردم و آنها از هویت و گرایش جنسی من آ و در ابتدا برایم یک ایمیل از ایران فرستادند که: ... دانستن این خبر برای یک پدر و مادر ایرانی بسیار دردناک است ولی با این همه ما ترا عاشقانه دوست داریم این ایمیل مرا متعجب کرد و من از این برخورد آنها خیلی خوشحال شدم چونکه واکنش آنها اما این خوشحالی زیاد دوام نیاورد چرا که والدینم درست ، ایمیل دیگری را هم برایم فرستادند که: ... ما تحت هیچ شرایطی نمیتوانیم راجع به این موضوع با کسی از دوستان و فامیل صحبت کنیم و تو هم نبایستی با هیچ یک از بستگان نزدیک و دوستان خانوادگی و آشنایان مقیم آمریکا در باره این موضوع صحبت کنی . چراکه اینکار عواقب بدی در پی خواهد داشت

در ابتدا من از این صحبت آنها چندان ناراحت نشدم و دلم خوش بود که دانستن خانواده و برخی دوستان بسیار نزدیکم، برای من کفایت خواهد داشت اما کم کم احساس کردم که هویتم حال از دست رفتن است چراکه آنها باعث زندانی شدن من در یک چهار دیواری شده بودند و من اجازه علنی سازی برای هیچ کسی از آشنایان را نداشتم و بایستی خودم را در زندانی که والدینم به آن اصرار می ورزیدند، مخفی میکردم برای خواندن کل متن روی لینک زیر کلیک کنید

یکسال و نیم بعد من برای مراسم عروسی خواهرم به ایران آمدم و در برابر سوالهای متعدد آنها در باره آینده و انتخاب همسر، تنها به جواب سربالا دادن اکتفا کردم و سنگین بودن مشغله کاری و تحصیلی ام را بهانه آوردم. اما انکار هویت واقعی و مخفی کردن گرایش جنسی ام . روحی و روانی در من شده بود

چند سال بعد در یک مهمانی، یکی از آشنایان نزدیک، مجدداً در مورد آینده و ازدواج کردن، مرا سوال پیچ نمود ولی اینبار تصمیم گرفتم که از هویتم دفاع کنم و خودم را از زندان ساخته شده والدینم بیرون آورم. برای همین با صراحت به او عنوان کردم که من یک همجنسگرا هستم و دوست ندارم که با هیچ دختری ازدواج نمایم . فردای همان روز، والدینم به من زنگ زدند و با عصبانیت، بابت کاری که در آن مهمانی کرده

بودم از من توضیح خواستند. آنها حتی سرزنش کردند که چرا در شرایطی که هیچ هتروسکچوالی به توضیح هویت جنسی خود اقدامی به عمل نمی آورد، برعکس من مدام اصرار برای نشان دادن هویت جنسی ام برای دیگران دارم.

من در آمریکا، دوستان ایرانی همجنسگرای زیادی دارم و آگاه هستم که آنها زندگی دوگانه ای را انتخاب نموده اند و همیشه احساس غرور می‌کردم که والدینم از هویتم آگاه هستند اما بعد فهمیدم که من هم با این دوستان، تفاوت چندانی نداشتم و بایستی بنا به درخواست والدینم، یک زندان پنهان کاری، خودم را مخفی نگه میداشتم. در واقع آنها مرتب به من گوشت زد می‌کردند که تمام این پنهان کاری ها برای در امان بودن و ترد نشدن خودم بود اما من خیلی زود فهمیدم که تمامی این کارها برای امنیت و ترد نشدن و عدم شرمسار شدن خودشان در برابر فامیل و دیگر دوستان نزدیک بود.

آیا من حق ندارم که دچار سردرگمی شوم؟ در تمام دوران بزرگ شدنم، بارها و بارها والدینم به من اصرار می‌کردند که فردی راستگو و صادق باشم و دروغ گفتن را بدترین کار ممکن میدانستند اما امروز آنها از صداقت و راستگویی من ناراحت میشوند.

اگرچه من والدینم را درک میکنم و میدانم که سن بالای آنها این اجازه را نخواهد داد تا مرا بخوبی درک نمایند. آنها همیشه به من عشق می‌ورزند و مرا مورد توجه قرار میدهند اما برای احترام به هویت واقعی ام، آنها هیچ واکنش مثبتی از خود نشان نمیدهند.

یک روز صبح در فیس بوک، دوست آمریکایی ام را دیدم که به همراه دوست پسر اش در مهمانی عروسی خواهرش شرکت کرده و در تمام عکسها، آنها در حال خندیدن و خوشحالی خوب من به یاد مهمانی مشابه خودم بودم و از اینکه نمیتوانستم همانند آنها خوشحال باشم و این موضوع مرا آزار میداد و دچار حسرت میکرد.

اما من بالاخره تصمیم را گرفتم و کارم را در خلیج رها کردم و به شهر لس آنجلس بر من بایستی مسئولیت زندگی خودم را بر عهده می‌گرفتم و این حق من بود که در سن 31 سالگی، هر آنچه را که دوست داشتم و برای شاد زندگی کردنم لازم بود را انتخاب می‌کردم و این را به والدینم تذکر دادم.

اما والدینم مجددا اصرار ورزیدند که تمام احتیاط کاری های که آنها توصیه میکنند، فقط برای این است که آنها نگران من هستند و دوست ندارند که من متحمل حادثه بدی شوم. من فهمیدم که آنها در واقع نگران خود و زندگی خودشان بودند نه من. آنها همچنین، این کارم را یک سرکشی و نافرمانی مقتضی سنم دانستند.

به هر حال، من تصمیم خودم را گرفته ام و شاید آنها کار مرا نوعی نافرمانی و عصیان بدانند اما من فقط آنچه را که والدینم در دوران رشد و نمو به من گوشزد نموده اند را به انجام خواهم رساند. آنها به من یاد دادند که همیشه راستگو و صادق باشم و حقیقت را دوست بدارم و من نیز همین کار را ادامه خواهم داد، چه در مورد زندگی اجتماعی ام و چه در زمینه هویت و گرایش جنسی خاصی که دارم.

من یک گی هستم و این با ایرانی بودن من سازگار نیست و اگر میخواهم ایرانی بودنم را نگه

دارم بایستی گی بودنم را کنار بگذارم. اما قبل از هر چیز ابتدا میخواهم در باره هویتیم و گرایش جنسی ام صادق و راستگو باشم
منبع انگلیسی:

http://www.huffingtonpost.com/yashar-hedayat/losing-my-identity-only-g_b_935549.html